



اهدا کرده‌اند و خوب است سالانه به نام ایشان یک جایزه نقاشی معنوی و قدسی برگزار شود. نهادهای دیگر هم به جنبه‌های حماسی و ملی آثار استاد توجه کنند تا این گفتمان سازی و جریان سازی درباره سبک استاد فرشچیان ادامه یابد. بسیاری از کشورها، هنرمندانی دارند که در حد و اندازه آقای فرشچیان نبوده‌اند اما از آن‌ها یک جریان بزرگ ساخته‌اند ولی ما از افراد بی‌نظیری چون ایشان که در زمان حیاتشان مورد ستایش جهانیان بودند آن قدر بهره نبردیم که سبکشان تبدیل به جریان شود. این رویدادسازی‌ها نیاز به روش و ساختار مشخصی دارد که اگر به دست افراد آگاه و متخصص برسد می‌دانند چطور سبک استاد را تبدیل به مکتب و جریان کنند. به نظرم آثار استاد بایستی در دیگر هنرها مانند قلم‌زنی و سوخته‌نگاری هم توزیع شود؛ این اتفاق برای تابلو عصر عاشورا رخ داده و این اثر در هنرهای متعدد تکثیر می‌شود ولی اگر این رویه روشمند باشد می‌تواند به جریان سازی ساختارمندی تبدیل شود مثلاً آستان قدس رضوی می‌تواند از تابلو ضامن آهو در صنایع دستی که سوغاتی زائران است، بهره‌برد.

امیدوارم بنیادی برای ایشان راه‌اندازی شده تا درباره این مسائل تدبیر شود. نهادهای مختلف همچون آستان قدس رضوی، مجتمع استاد فرشچیان در اصفهان و دانشگاه استاد فرشچیان در تهران با هم‌اندیشی در کنار هم می‌توانند یک گفتمان واحد را بسازند.

■ به نظر شما سرچشمه‌های محتوایی آثار استاد از چه منابعی نشأت می‌گیرد؟

سرچشمه بخش حکمی ایشان پیش از هر چیزی، فرهنگ ایرانی اسلامی است. ایشان از یک سو قرآن می‌خواندند و با کلام الهی انس داشتند از سوی دیگر شاهنامه می‌خواندند و با اشعار حافظ و سعدی هم عجين بودند.

به نظرم نخستین سرچشمه‌ها همین‌هاست. از سوی دیگر با مسائل روز دنیا هم آشنا بودند و می‌دانستند دغدغه و مسئله انسان امروز چیست و سعی می‌کردند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به این‌ها بپردازند. ضمن اینکه مهم‌ترین عناصری که در آثارشان به تصویر کشیده می‌شد، عناصر کهن‌الگویی بود. کهن‌الگو یعنی تصاویری که مثل فطرت انسان در وجود همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است به همین خاطر غیرایرانی‌ها هم با آثار ایشان ارتباط برقرار می‌کنند چون در عمق وجودشان، این مضامین وجود دارد.

به نظرم یکی از ویژگی‌های مهم استاد فرشچیان این بود که توانستند پیوند متناسب و مطلوبی میان ایران و اسلام در اندیشه و آثارشان به وجود بیاورند. این طور نبود که به یک طرف غش کنند بلکه به معنای واقعی کلمه یک مسلمان ایرانی بودند و به دلیل این تناسب، عاری از این افراط و تفریط بودند. این مهم از ویژگی‌های اصلی استاد و سرچشمه تفکر، معنویت و تصاویر بنیادین ایشان بود.

استاد فرشچیان حتماً تأثیر شگرفی بر تاریخ نگارگری ایران داشتند اما اینکه این تأثیرگذاری در حد یک مکتب یا جریان بزرگ شده، باید منتظر زمان باشیم تا ببینیم پس از وفات ایشان، چه اتفاقی در نگارگری ایران می‌افتد. آیا اثرات ایشان مانند درخشش ستاره دنباله‌دار و موقتی است یا مثل ماه، پایدار است؛ چرا که این ماندگاری موجب شکل‌گیری مکتب و جریان هنری می‌شود



و دور شویم تا بتوانیم تحلیل مناسبی داشته باشیم.

استاد فرشچیان حتماً تأثیر شگرفی بر تاریخ نگارگری ایران داشتند اما اینکه این تأثیرگذاری در حد یک مکتب یا جریان بزرگ شده، باید منتظر زمان باشیم تا ببینیم پس از وفات ایشان، چه اتفاقی در نگارگری ایران می‌افتد. آیا اثرات ایشان مانند درخشش ستاره دنباله‌دار و موقتی است یا مثل ماه، پایدار است؛ چرا که این ماندگاری موجب شکل‌گیری مکتب و جریان هنری می‌شود.

■ اگر این مکتب قرار باشد جریان‌سازی‌اش را نشان دهد باید دنبال‌کنندگانی داشته باشد، به نظر شما سبک هنری استاد چطور می‌تواند جریان‌ساز شود؟

این جریان‌سازی به بازماندگان استاد بستگی دارد و فقط مربوط به نقش استاد نیست چون ایشان کار خودشان را به بهترین شکل ممکن انجام داده‌اند. حالا نوبت نهادهای مردمی و هنری است که این سبک را به یک جریان بزرگ هنری تبدیل کنند. به نظرم لازم است بنیاد استاد فرشچیان راه‌اندازی و سالانه جشنواره‌هایی برگزار شود تا راه هنری استاد ادامه یابد.

در طرف دیگر باید منتقدان را تشویق کرد درباره کارهای ایشان کارهای علمی انجام دهند و درباره زاویه‌های پنهان، نمادها، هندسه، رنگ‌ها و قلم‌گیری‌های آثار استاد، مقاله بنویسند تا هنرجویان جوان با عمق آثار فرشچیان آشنا شوند.

به باور من استاد برای تبدیل شدن سبکشان به یک جریان هنری، کار خودشان را کردند، حالا نوبت ماست. یکسری فعالیت‌ها را نهادهای دولتی و غیردولتی باید انجام دهند مثلاً آستان قدس رضوی می‌تواند کارهای خوبی برای استاد انجام دهد چون ایشان تمام آثار مذهبی خودشان را به موزه آستان قدس رضوی

